

سرنوشت دولت در دست کارگران چغارت

مصطفی اسدپور

در ایران امروز را بدست داده اند. روز شنبه پنج نفر دیگر از لیست هجده نفره کارگران توسط نیروهای گارد دستگیر شدند. فضای شهر سراسر امنیتی است و نیروهای گارد ضد شورش و ماموران مخفی فضای ناامنی و سرکوب را در محلات و در خود معادن برپا کرده اند.

پنج هزار کارگر دست به اعتصاب زده و کار را در کل معادن متوقف ساخته اند. با اولین دستگیریها دهها نفر از خانواده معدنچیان فرماندار شهر را در دفتر وی زندانی کرده و خواهان آزادی فوری کارگران زندانی شدند. تجمهات بعدی در سه شب متوالی در مقابل فرمانداری شهر با شرکت تعداد وسیعی از مردم شهر برگزار گردید. در مقابل خواست فوری کارگران زندانی، مقامات و گارد ویژه سرکوب مشغول پاس دادن معترضین و گسترش فضای ارعاب هستند. ... صفحه ۳

با استقرار و دست درازی واحدهای ضد شورش بر علیه معدنچیان اعتصابی صورت مساله مخاطرات در راه برای کارگران نیست بلکه (بسیار فراتر از آن) مساله اساسی اعلام علنی شکست سیاست دولت روحانی است. باید دست تعرض به کارگران را کوتاه کرد، اما با هر سناریوی در راه، کارگران معدن پرونده دولت انتظار و تعامل را در هم پیچیده و رئوس پرچم طبقاتی کارگری

حنای شما رنگی ندارد!

فواد عبداللهی

آنگونه که از شواهد و قرائن پیداست، غرب میروود تا برای "مبارزه با تروریست‌ها" با دول منطقه متحد شود.

روزنامه "گاردین" در سرمقاله روز چهارشنبه خود با اشاره به کشته شدن یک خبرنگار آمریکایی به دست داعش و درخواست فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه برای برگزاری نشست بین‌المللی جهت بررسی "تهدید گروه‌های تروریستی"، کنار گذاشتن رقابت‌های منطقه ای و بین‌المللی را تنها راه مقابله با تهدید "گروه‌های تروریستی" دانسته و می‌افزاید: "رقابت‌هایی که موجب شده تا فرصتی برای داعش به وجود آید، کنار گذاشته شود، ترکیه، عربستان سعودی، قطر، ایران و حتی سوریه باید در نشست رئیس‌جمهور اولاند نقش برجسته‌ای داشته باشند."

پیش از این "دیوید کامرون" نخست‌وزیر انگلیس نیز طی یادداشتی در هفته‌نامه "سندای تلگراف" از لزوم برخورد با "داعش" سخن گفته و نوشته بود که در این مسیر حتی باید با ایران نیز همکاری کرد.

"مبارزه با تروریسم" بزعم سران دول غربی، یک شاهی نمی‌ارزد و قبل از آنکه مثالی حقانیت در خود داشته باشد در جهت بزک کردن نظام سیاهی است که بر سرنوشت میلیونها انسان در جهان امروز حاکم کرده اند. این شیوه "مبارزه با تروریسم" همان است که پیشتر در حق بسیاری از صاحب منصبان "مغضوب"، با اعلام جنگ و تهاجم نظامی تحت لوای "سرنگون ساختن دیکتاتورها" به کار رفته بود. ... صفحه ۲

داعش، دخالت نظامی غرب و موقعیت احزاب ناسیونالیست

آذر مدرسی

بازیگران دیگر این سناریو مانند ایران، عربستان و قطر و ترکیه و... میدانند. امروز که افسارگسیختگی و جنایت دسته‌های آدمکش و جانی مانند داعش از کنترل خالقین آن‌ها خارج شده، دولت‌های فخریه آمریکا و اروپا و دولت‌های منطقه به فکر مهار کردن دامنه عمل "انقلابیون ناتوی" دیروزشان و "مغضوبین" امروزشان اند. ... صفحه ۴

حکمتیست: امروز داعش می‌رود به معضلی فرا منطقه ای تبدیل شود. دخالت نظامی غرب و به موازات آن کمک‌های تسلیحاتی به دولت اقلیم برای مقابله با داعش در جریان است. ظاهراً تصویر عمومی که از این اتفاقات بدست داده میشود این است که یکی از راه‌های مقابله با داعش نیروی احزاب کردی و کمک‌های "بشر دوستانه" دول غربی به دولت اقلیم است. علاوه بر این مقاومت توده‌ای در کوبانی در برابر داعش به رهبری حزب اتحاد دموکراتیک، موقعیت و اعتبار و انوریته این حزب را به طور جدی افزایش داده است. این جایگاه که احزاب ناسیونالیست و قومی کردی در اوضاع امروز و به طور خاص در تقابل با داعش به آن دست یافته‌اند تا چه حد بیان موقعیت واقعی این احزاب است؟

اعلام موجودیت واحدهای مسلح مقاومت توده‌ای!

گروه تروریستی داعش، بعد از اشغال موصل و تسلط بر مناطق وسیعی در عراق، وضعیت سیاسی در عراق و کردستان را به موقعیتی خطرناک و ترسناکی تغییر داده است و مستقیماً به تهدید و مخاطره ای بزرگ در برابر زندگی و آسایش مردم تبدیل گشته است. این گروه تروریستی که بی‌واهمه صدها اسیر ارتش عراق را قتل و عام میکند، صدها شهروند غیر نظامی و بی‌دفاع مسیحی و ایزدی را کشتار جمعی میکند و تصاویر آنها را در رسانه‌ها پخش میکند و به زنان و دختران آنان تجاوز جنسی میکنند، و تهدید به گردن زدن هر کسی میکنند که از شرع و آیین آنها پیروی نکند، گروهی تروریست و آدمکش و درنده که امکانات و نیروی یک دولت را در اختیار دارد، توانایی خلق کردن فجایع بزرگ انسانی بیشتری دارد و تهدیدی جدی است برای زندگی و آینده جامعه عراق و کردستان. ... صفحه ۲

آذر مدرسی: این اعتبار همانقدر واقعی است که اعتبار هیئت حاکمه آمریکا و ایران و عربستان برای پایان دادن به جهنمی که در عراق بوجود آورده اند. همانقدر که اشک تماشای ریختن ارتجاع امپریالیستی، مسببین این وضعیت جهنمی در عراق و منطقه، برای قربانیان جهنم دست ساز خود واقعی است، همانقدر که تعهد امروزشان بعنوان ناجیان صلح و امنیت مردم در مبارزه علیه جریان‌های باند سیاهی و تروریستی و جانی مخلوق خود در منطقه واقعی است.

امروز دیگر از خود خانم کلینتون تا دست راستی ترین مفسرین و روشنفکران و میدیا به نقش آمریکا و دول غربی در بوجود آوردن چنین سناریوی سیاهی در منطقه اعتراف میکنند و همزمان در کمال وقاحت و بیشرمی خاتمه دادن به این جهنم را رسالت خود و

آزادی برابری حکومت کارگری

حنای شما ...

الصاق کثیف ترین برجسب ها به طرف مقابل جهت توجیه محکومیت خود در افکار عمومی و صاف کردن جاده لشکرکشی به خاورمیانه و شمال آفریقا و نهایتا پر و بال دادن به سیاه ترین نیروهای تاریخ بشر و تفویض و تحمیل حاکمیت آنها بر کشورهای منطقه، مسیر پا خورده ای است که دول غربی و آمریکا در معادلات دنیای بعد از جنگ سرد دنبال کرده اند.

اینبار گاری شکسته "مبارزه با تروریسم" زیر عبای داعش جاسازی شده. همان ها که تا دیروز از جانب غرب لقب "انقلابیون" و "پیکارجویان" و "ارتش آزادیبخش سوریه و لیبی" لقب گرفتند و توسط گزارشگران خبره رسانه های دموکراسی غربی و با پول و امکانات هنگفت دول مربوطه کشف و استخراج شدند امروز قرار است بعد از هزیمت استراتژی آقائی آمریکا به زبان چاقوکشان فیلم های هالیوودی مورد حمله قرار گیرند.

خیلی جالب است! روزنامه گاردین جهت تبرئه دول غربی و آمریکا، انگشت اتهام را به سوی داعش، مهره سیاه پنتاگون گرفته! اینها دارند نیرویی را مورد تهاجم قرار می دهند، که نه تنها توسط آمریکا تجهیز شده، بلکه حتی آن زمانی که افسارش هنوز در دست واشنگتن بود رسالتی جز تحقق انقلاب ناتویی در دستور نداشت.

آنچه در برابر قضاوت تاریخ قرار می گیرد، نه کارنامه امروز داعش، این مخلوق آمریکا در خاورمیانه، بلکه وقاحت کاخ سفید و شبکه رسانه های دموکراسی غربی است که داعش را بعنوان یک نیروی ارتجاعی در مقابل با سکولاریسم و آزادیخواهی در خاورمیانه با ناز خود پرورده کردند. همان ها که در حقیقت معماران تخریب جامعه عراق و منطقه خاورمیانه اند امروز به حساب خود با هوا کردن دوباره پرچم "مبارزه با تروریسم" دستهایشان را از جناباتی می شویند که جیبشان را از صدها میلیارد دلار پول نفت و تجارت اسلحه در منطقه سیراب کرده اند. قضیه به همین سادگی است؛ ژورنالیسم غربی در کنار پنتاگون وظیفه شریف پیچیده کردن این صورتبندی ساده و تحویل دادن تصویر کج و وارونه از آنرا به عهده گرفته است.

آنچه امروز توسط داعش در عراق و خاورمیانه در حال اجرا است، جنایت علیه بشریت است. اما و مهمتر از هر چیز، داعش خود محصول استراتژی دخالتگری "بشردوستانه" آمریکا و غرب در سوریه بود. تجهیز "انقلابیون" القاعده ای - سلفی با سلاح و تأمین مالی و سربازگیری و آموزش نظامی آنان که در حمایت همه جانبه از "ارتش آزاد سوریه" تجلی یافت و پا گرفت؛ نیرویی که تماما توسط مجموعه کشورهای "انقلابی" آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان و عربستان و قطر، در آب نمک خوابانده شد، شکل سازمانی خود را یافت و پس از دست انداز استراتژی قلدردی آمریکا در اوضاع سوریه، امروز دامنه آن نه تنها به سراسر خاورمیانه کشیده شده بلکه با پیوستن صدها نفر از جوانان مقیم اروپا به خلافت اسلامی البغدادی، جامعه غرب را نیز با خطر گسترش نامنی و بی

ثباتی روبرو کرده است. برآوردهای سرویس های اطلاعاتی انگلیس نشان می دهد نزدیک به ۷۰۰ بریتانیایی اکنون در سوریه و عراق جذب داعش شده اند. ابراز نگرانی از بازگشت این افراد و انجام اقدامات تروریستی در خاک اروپا، سوی دیگر ماجراست. حقیقت اینست که بیش از این نمیتوان پشت دیواره دود و تحت نام "مبارزه با تروریسم" و استراتژی دخالتگری "بشردوستانه" پنهان شد. افتضاحاتی که حتی مجله ای چون "فارن پالیسی" به آن اذعان دارد، بر متن این اوضاع و بر زمینه از دست دادن ترک تازی های یک تنه آمریکا است که "دیکتاتورها" و "محور شر" های سابق، متحدین امروزی می شوند و به کمک طلبیده می شوند.

رژیم اسلامی ایران در قبول مشروط همکاری در غائله "مبارزه با تروریسم" و داعش یا پیش گذاشته است. رژیمی که نقش جدی در حاد کردن بحران عراق بعد از دخالت نظامی آمریکا داشته است. دولت پرو- ایرانی مالکی یک دهه تمام، وظیفه باد زدن هویت مذهبی و قومی تحت نام شیعه در عراق بعهدده داشته و یک پای جدی زمینه تحرک مجدد نیروهای بعثی را در قالب "سنی" و "داعش" فراهم کرده بود.

اینگونه بازی دول غربی با افکار عمومی، که گویا از سوراخ دولت‌های مرتجع منطقه و با کمک آنها می توان یک شبه به ناجی و نظریه پرداز و صلح طلب تبدیل شد، حکم خشت خام پیدا کرده. امروز دیگر هر آدمی با دانش متوسطی می داند که پشت صحنه سازی تخریب خاورمیانه و عراق، هم غرب و هم دول منطقه به یک اندازه همسان، هم رنگ و شریک بوده اند. به صحنه آمدن یک به یک امروزشان در قامت "ناجیان" و برنامه ریزان و "دوستان" مردم و در عین حال دست و پا کردن پشت جبهه‌ای مطمئن برای تأمین ثبات و امنیت امروز و فردایشان، نهایت هدف اینها است. نه یک دهه قتل عام مردم عراق تحت نام مبارزه با صدام مسأله شان بود؛ و نه اشک تمساحی که امروز بر کشتار و سلاخی مردم خاورمیانه به بهانه لجام گسیختگی داعش می ریزند، یک جو حقانیت دارد. روزی از این روزها باید در چهار گوشه جهان، چهره زشت این اردوی ارتجاع و سناریوی مهوع "نبرد با تروریسم" آن راه از واشنگتن تا لندن، از دوحه تا آنکارا و تهران افشا کرد و بالماسکه "دل سوزی" این شارلاتان ها را بهم زد.

مقابله و در عین حال پایان دادن به اوضاع وخیم خاورمیانه کار کمونیست ها و طبقه کارگری است که برای برابری حقوق و حرمت انسانها و به کرسی نشاندن ارزش آنها تلاش می کند. جواب دول غرب و منطقه را با بزیر کشیدن آنها باید داد. دستجات باند سیاهی همچون داعش را باید با پایان دادن به مشقات و تبعیضات و استثمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و قربانی جریانات و سازمانهای مرتجع ضد بشری میکند، از بین برد. با افشای مذهب، قوم پرستی، نژاد پرستی و هر ایدئولوژی منحنی که برای انسان احترام قائل نیست. سازماندهی مبارزه برای ایجاد جوامع آزاد و برابر که در آن آدمیزاد و جان و حرمت و آسایش اش ارزشی داشته باشد.

اعلام موجودیت ...

به این خاطر علاوه بر جنگیدن علیه این نیروی تروریست و آدمکش و پاک کردن منطقه از آنها ، هیچ راه دیگری در برابر ما برای حفاظت از زندگی خود و تأمین امنیت و آرامش و بازگرداندن آسایش برای مردم، وجود ندارد.

اما آزمون دو ماه جنگ با داعش این واقعیت را اثبات کرده است که تنها پشت بستن و امید به نیروهای مسلح رسمی و احزاب آنان، برای روبرو شدن با داعش و برای زدودن ترس و مخاطره از سر زندگی مردم و تأمین امنیت و آرامش آنها کافی نیست. مردم موصل و شنگار و مناطق دیگر در بین آواره گی و کشتار جمعی و زندگی در اسارت حق انتخابی دیگر برایشان باقی نماند. بعد از این فجایع، مسئله مسلح شدن مردم برای مقابله با داعش تبدیل به سوالی مهم و نیازی مبرم گشته است که در چندین منطقه اهالی آن دست به این کار زده اند و مسلح گردیده اند. ما مانند جمعی از فعالین سیاسی آزادیخواه که اعتقاد داریم تهدید داعش باید از سر جامعه برداشته شود و ویروس کشنده آن ریشه کن گردد. از زاویه مسئولیت در برابر مردم و جامعه، هر چه سریعتر و با تمام قدرت، از تسلیح و سازماندهی توده ای برای مقابله با داعش حمایت میکنیم و از طریق این اطلاعیه تأسیس "واحدهای مسلح مقاومت توده ای" را اعلام می کنیم. از تمام انسانهای مبارز و آزادیخواه و انساندوست که خود را موافق نظر ما میدانند، درخواست میکنیم برای مقابله و جنگ علیه داعش به ما بپیوندند تا بتوانیم با هم ارتشی عظیم و توده ای در سرتاسر کردستان درست کنیم. هر کسی (زن و مرد) اعتقاد دارد باید با داعش مقابله کرد و باید داعش را از صفحه جامعه پاک کرد و فراری داد، دارای هر تفکر سیاسی ای که باشد و یا خود را به هر دین و ملیتی که منتسب میکند ، می تواند عضو این نیروی توده ای بر علیه داعش باشد. ما همزمان خود را همکار آن دسته و گروه هایی می دانیم که هم اکنون برای این امر اعلام موجودیت کرده اند و دست همکاری را به طرف آنها دراز می کنیم . ما معتقد هستیم که این نیروی مقاومت توده ای در کردستان باید از دیگر نیروهای مقاومت توده ای در مناطق دیگر عراق که بر علیه داعش اعلام موجودیت میکنند ، شجاعانه پشتیبانی کنند. بیابیم همگی برای ایجاد و تأسیس این نیروی مقاومت توده ای و برای فراری دادن و پاکسازی داعش از جامعه کردستان و عراق و در منطقه آستینهای خود را بالا بزنیم . زنده باید نیروی مقاومت توده ای

دلاور مونزیر، عرفان کریم، بختیار نادر، محسن کریم، خلیل محمد حسن، استاد حسین صالح شماره تلفنهای ارتباط با ما:

۰۷۷۲۵۰۰۳۰۸۱ ۰۷۷۱۰۲۴۳۱۱۸
۰۷۷۰۱۹۵۷۵۸۸

صفحه نیروی مقاومت توده ای در فیس بوک:
<https://www.facebook.com/pages/Hezybargry/751851058212613>
آدرس ای میل نیروی مقاومت توده ای :
hezybargry@gmail.com

نباید گذاشت بیش از این چهره خاورمیانه را بده بستان های غرب و دول منطقه به تباهی کشند. کمونیست ها کاری دارند کارستان! طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه ناچار است علیه کل این اوضاع به میدان آید.

در بیابانهای اطراف شهر کلنگ احداث یک بیمارستان جدید برای شهر را بر زمین کوبید. سفر وزیر کار به یک نمایش مسخره از بازدید "مراکز تولیدی" دروغین و ملاقاتهای بی ارزش تبدیل شد و ایشان بدلیل مطابحه ارائه تضمینهای قانونی برای اجرای این وعده ها، حاضر به شرکت در جمع کارگران نشد. وزیر کار را باید از بد دهان ترین مقامات حکومتی علیه طبقه کارگر بحساب آورد اما در جمع شورای شهر خود را "توکر کارگران معدن" نامید و "قسم خورد" که اگر اعتصاب ۳۹۹ روز طول میکشید "اجازه نمیدادم یک مو از سر کارگران کم شود." دو ساعت بعدتر واحدهای گارد ضد شورش شهر را در قرق خود داشتند!

پرچم کارگران معدن چغارت در ساده ترین بیان خود پرچم طبقاتی کارگران در ایران امروز است: معادنی که چند نسل روی آن جان کنده ایم متعلق به خود کارگران است. هیچ کس حق ندارد بالای سر کارگران برای آن تصمیم بگیرد. بالا بردن سود کارخانه از راه خصوصی سازی نباید به قیمت بدبختی کارگر تمام شود. سود معادن باید همین امروز و فوری صرف بهبودی ظرفیتهای صنعتی و زیستی برای مردم شهر تبدیل گردد!

مکمل این مطالبات مجادلات بسیار پرشوری در میان کارگران است که راه را بر حواله دادن خواستهای کارگران به همدیگر در میان ارگانها و دوائر رژیم بسته اند. کارگران اعلام داشته اند که احمدنژاد و روحانی سر و ته یک کرباسند. در این مملکت از قبل کار کارگران آنقدر سود حاصل میشود، آنقدر ثروت هست و آنقدر به کیسه دولتی ها و سرمایه داران سرازیر میشود که نباید نوبت به زندگی کارگران که میرسد بهانه قانون و بودجه و طفره رفتن را پذیرفت.

همبستگی و اتحاد و درایت سازماندگان اعتصاب بافق تا همینجا باندازه کافی ترس و تردید دستگاه سرکوب رژیم را آشکار ساخته است. این دوره زیاد هم از تهدید و تمهیدات خالی نبوده اند. دولت و گارد ضد شورش آن، تازه اگر موفقیتی در کار باشد راه سخت و دشواری را پیش رو خواهند داشت. در اشل اجتماعی و طبقاتی این اعتصاب پیروز شده و این پیروزی غیر قابل برگشت است. در سطح محلی دست عوامل سرکوب و مزاحمتها و عملیات ایدئایی علیه معدنچیان ابدًا باز نیست. معدنچیان چغارت کل بالماسکه روحانی را در همان صد روز اول آن پنچر کردند. کابوس جمهوری اسلامی در این است که بخشهای دیگر طبقه راه چغارت را در پیش بگیرند.

اعتصاب معدنچیان بافق، اعتصاب کل طبقه کارگر ایران بود و هست. این اعتصاب اگر تنها مانده است، اما خواستها و پرچم ادعای کارگری را در تهاجم وقیحانه بورژوازی ایران با خود متجلی میسازد. موج گسترده ای از حمایت و همبستگی با کارگران معدن ممکن و حیاتی است.

۱/۴امه صفحه ۴ ←

مورد عراق و سوریه تصویری انسانی، آزادیخواهانه و مدافع توده وسیع مردم و منفعت همگانی از خود بدهد. دستگاههای تبلیغاتی ناسیونالیستی مقاومت مردم کوبانی، مسلح شدن زنان و ... را بعنوان اولین نمونه‌های تاریخی چنین مقاومتی در جهان معاصر تبلیغ میکنند و آنرا مبنای تبلیغاتی چون سوسیالیست بودن، مدافع برابری زن و مرد، مدرن و پیشرو و آزادیخواه بودن حزب دمکراتیک کردستان سوریه و کل ناسیونالیسم کرد قرار میدهند. فراموش میکنند که حزب دمکراتیک کردستان سوریه (پ ک ک کردستان سوریه) عضو شورای ملی سوریه و متحد ارتش آزادیبخش سوریه متشکل از داعش و النصر و انواع جریانات ارتجاعی دیگر، بودند، اینکه این‌ها به دلایل متعدد که جایش در این نوشته نیست راهشان را از شورای ملی و ارتش آزادیبخش جدا کردند، ماهیت ناسیونالیستی و ارتجاعی این جریان را تغییر نمیدهد.

باید فاصله مبارزه و مقاومت قهرمانانه و برحق مردم کوبانی برای دفاع از زندگی را از احزاب ناسیونالیستی در رهبری آن را دید و این واقعیت را به مردم نشان داد. باید نشان داد در غیاب یک نیروی رادیکال و کمونیست هر جریانی میتواند در راس هر تحرک انقلابی یا مقاومتی مشروع قرار بگیرد. این واقعیت را ما کمونیستها در مورد حمایت از مبارزه مردم فلسطین و فاصله الفتح و حماس با این مبارزه برحق، در مورد اعتراض بر حق مردم مصر به حاکمیت اخوان المسلمین و مرسی و فاصله این اعتراض با اعتراض بورژوازی عرب به رهبری السیسی و دهها نمونه دیگر، گفته ایم. در مورد کوبانی هم همین واقعیت حکم میکند با این تفاوت که در کوبانی و کردستان سوریه تنها امکان مقاومت در مقابل توحش داعش احزاب ناسیونالیست کرد هستند و این موقعیتی بلامنازع به جریانات ناسیونالیستی کرد میدهد و کار کمونیستها را سخت تر میکند.

باید از همین امروز به طبقه کارگر و مردم کردستان سوریه این واقعیات را گفت تا این درجه از قدرت و اعتماد به قدرت خود در مقاومت و دفاع پرشور و قهرمانانه امروزشان از زندگی و مدنیت و حق حیات در مقابل یکی از وحشی ترین و جانی ترین باندهای آدمکش را به روشنی و قدرت و ظرفیتی برای دفاع از آزادی و رفاه و سعادت در مقابل بورژوازی کرد حاکم در کردستان سوریه تبدیل کرد. دفاع از مقاومت امروز مردم کوبانی بدون تلاش برای بیرون کشیدن آن از زیر دست و بال ایدئولوژی و تبلیغات ناسیونالیسم کرد، دو دستی تحویل دادن آینده مردم کوبانی و کردستان سوریه به ناسیونالیسم کرد است.

خبر دور جدیدی از اعتصاب معادن چغارت در شهر بافق انعکاس وسیعی را در رسانه ها بهمراه داشته است. اعتصاب ۳۹ روزه اخیر پنج هزار کارگران معدن با سانسور خبری کامل مواجه گردید. اینبار خبرگزاری ایلنا (سایت اینترنتی خبرگزاری خانه کارگر) با انتشار اخبار امکان تعقیب کشمکشهای کارگران در بافق را سهلتر ساخته است. از قرار معلوم دولت برای سرکوب و عقب راندن کارگران عزم جزم کرده است و جزییات آنرا میتوان از صفحات خبرگزاری ایلنا تعقیب کرد. خبر رسانی "دلسوزانه کارگری" امروز اینها جزئی از لاپوشانی حقیقت و ضربه زدن به صف کارگران و نقاط قوتی است که تلاشهای این کارگران برای کل طبقه کارگر میتواند به همراه داشته باشد. از همین حالا اعلام داشته اند اگر کارگران تشکل خود (یعنی شورای اسلامی و یا نوع دیگری از تشکلهای دولتی) را میداشتند کار به اینجا نمیرسید! اینها گزارشگر جزییات مقاومت کارگران نیستند، اینها آمده اند که بیهوده بودن مقاومت سرخود کارگران را بنمایش بگذارند. اینها از پیش مرثیه سر داده اند، به اعتصابیون تشر میزنند، و برای خود کیسه دوخته اند.

اعتصاب سازمان یافته پنج هزار کارگر در یکی از مراکز مهم صنعتی، بر سر خواست لغو خصوصی سازیها، شروع دستگیریها و فضای سرکوب گسترده، سوابق طولانی از کشمکش با دولت؛ هر کدام کافی است که طبقه کارگر در ایران را بخود معطوف دارد. دفاع از هم طبقه ایهای خود، دفاع از خواستهایی که گریبان خود آنها را گرفته است و کوتاه کردن دست سرکوب نیازی به تاکید ندارد. اما کارگران در چغارت نبض تحولات سیاسی را در دست خود گرفته اند و میتوانند نقطه عطف مهمی در تحولات سیاسی در ایران را رقم بزنند. چرا و چگونه؟

اعزام گردان ضد شورش و دستگیری کارگران اقدام اضطراری و دست پیش دولت در مقابل اوضاعی بود که دیگر هیچ کنترلی بر آن مقدور نبود. از آغاز اعتصاب ۳۹ روزه بافق به مرکز رسوا ساختن وعده های سر خرمن مقامات ریز و درشت دولتی تبدیل شده است. اختصاص پانزده درصد از سهام معادن برای احداث ظرفیتهای صنعتی و رفاهی شهر بافق! به این ترتیب با فرموله کردن خواست خود علیه خصوصی ساختن معادن در مطالبه ای بنفع عموم مردم شهر و از طرف دیگر با سرسختی بر سر تضمینهای قانونی و معتبر برای اجرای آن دست دولت را در هر گونه دسیسه ای بسته بودند. دو روز قبل از پایان موعده اولتیماتوم کارگران در اعتصاب ۳۹ روزه سفر وزیر کار به بافق هرگونه امید دولت برای کنترل اوضاع را به یاس تبدیل ساخت. وزیر کار به روال دولت متبوع خود اقلام زیادی از وعده های توخالی را ردیف کرد و حتی نیمه شب

تلاش میکنند بر متن وحشیگری جریانات باندا سباهی قومی-مذهبی در خاورمیانه، بر متن عادی شدن وحشیگری و قساوت و کشتار در خاورمیانه هر نوع مقابله با این وحشیگری را بعنوان بشردوستی، آزادیخواهی و انقلابیگری تحویل جامعه دهند و قهرمانان خودخوانده این بشردوستی هم معماران این توحش از اوباما و کامرون تا البرادعی و اردوغان و روحانی اند. مستقل از اینکه امریکا، اروپا و دولتهای منطقه تا چه حد در مهار کردن دسته های آدمکشی مانند داعش موفق شوند یا نه اما قطعاً اینها نه قهرمانان این تقابل که مسبب این وضعیت اند و جایشان در تاریخ نه بعنوان ناجیان مردم منطقه که روی صندلی محاکمه به جرم جنایت علیه بشریت است. این موقعیت واقعی این "جنگجویان ضد تروریست" و "ناجیان بشریت" است.

تا جائیکه به احزاب ناسیونالیست کرد و بطور ویژه دولت اقلیم کردستان برمیگردد، این احزاب در بیست و چند سال گذشته متحدین ثابت آمریکا در منطقه بودند. در دوره جنگ خلیج و حمله به عراق بعنوان متحد آمریکا استراتژی خود علیه دولت عراق را به سرنگونی رژیم عراق توسط آمریکا گره زدند. این احزاب در یکی از مهمترین و سیاهترین دوره های تاریخ، دوره شکلگیری "نظم نوین جهانی" آمریکا و تثبیت قدری نظامی امریکا، بعنوان مهمترین ابزار توجیه و به رسمیت شناسی میلیتاریسم بورژوازی بعنوان ابزار اصلی در سیاست قدرتهای امپریالیستی، نقش ایفا کردند. این جریانات در سال ۱۹۹۱ بر متن حمله نظامی آمریکا به عراق، کشتار مردم بی گناه در عراق و با حمایت و کمک آمریکا به نان و نوایی رسیدند. تشکیل دولت اقلیم کردستان و سهم شدن احزاب ناسیونالیست کرد در دولت موزائیکی قومی-مذهبی-عشریه ای عراق مهمترین دستاورد بورژوازی کرد در ایندوره بود. پیروزی که بدون ائتلاف با ارتجاعی ترین جریانات قومی و مذهبی در عراق ممکن نبود. آزمون احزاب ناسیونالیست کرد یکی از برندگان به تباهی کشیده شدن زندگی میلیونها انسان در عراق بودند.

اگر در سالهای ۹۱ و ۲۰۰۳ احزاب ناسیونالیست کرد توانستند بر متن انهدام اقتصادی و اجتماعی جامعه عراق و بر متن مصائبی که به مردم عراق تحمیل شده بود، به نان و نوایی برسند، در این دوره هم حمله آدمکشهای حرفه ای داعش به موصل (طرح مشترک بارزانی، داعش و ترکیه) فرصتی مناسب برای سهم خواهی بیشتر از دولت مرکزی مالکی بود. دولت اقلیم با کنترل کرکوک و طرح استقلال کردستان تلاش کرد یکبار دیگر بر متن کشتار وحشیانه مردم بی گناه عراق، بر متن رعب و وحشت از تعرض یکی از سیاه ترین و جانی ترین جریانات موقعیت خود را تثبیت و دامنه نفوذ خود را گسترش دهند. توحش داعش و هراس

مردم از وحشیگری این جریان برای دولت اقلیم کردستان فرصتی شد تا به نام "مصحلت و امنیت کردها" وارد میدان شود و امنیت مردم کردستان عراق را دستمایه معامله و بند و بست و فشار به دولت مالکی برای سهم خواهی بیشتر و گسترش جغرافیای دولت اقلیم قرار دهد. کسی فراموش نکرده که دولت اقلیم و داعش رسماً اعلام کرده بودند که جنگی با هم ندارند و به حقوق هم احترام میگذارند. نماینده دولت اقلیم اعلام کرده بود که علاوه بر استقلال کردستان از شکل گیری یک دولت سنی در عراق حمایت میکند. ارتش دولت اقلیم (نیروی پیشمرگ) حتی یک فشنگ علیه داعش شلیک نکرد. در تمام دوره ای که این جریان در بقیه مناطق عراق مردم بی گناه را کشتار میکرد دولت اقلیم مشغول معامله و بده بستان بر سر سهم خود و امتیاز گرفتن از دولت مالکی بود. دولت اقلیم و ارتش آن تا زمانیکه ابعاد دهشتناک کشتار و آوارگی در میدیا منعکس نشد حتی یک فشنگ علیه جانین داعش شلیک نکردند، گناه مردم شنغال دو چیز بود اول اینکه اکثریت مردم این شهر منسوب به ایزدی هستند، ثانیاً روسای دولت اقلیم در آن روزها مشغول چانه زنی بر سر سهم خواهی از فروش نفت کرکوک بودند.

بطور واقعی ارتش دولت اقلیم وادار به رودرویی با داعش شد. جنگ با داعش به دولت اقلیم تحمیل شد. اولاً با شکست پروژه به رسمیت شناختن دولت مستقل کرد و سنی در عراق و پیوستن دولت اقلیم به طرح دول غربی مبتی بر دفاع از عراق متحد و تقسیم "عادلانه تر" قدرت در دولت موزائیکی آتی عراق، داعش این جنگ را به مناطق کردنشین کردستان عراق کشید و ثانیاً جنایت در شنغال که دولت اقلیم داعیه پیوستن آن به دولت اقلیم را داشت و سکوت غیر قابل قبول دولت اقلیم نسبت به کشتار و آوارگی مردم شنغال دولت اقلیم را در آستانه بی آبرویی جدی قرار داد. این اوضاع دویت اقلیم را وادار کرد ائتلاف غیر رسمی و آتش بس رسمی با داعش را کنار بگذارد و با سیاق روسای خود در کاخ سفید بعنوان ناجی مردم شنغال و عراق وارد شود. علیرغم هیاهوی دول غربی و ادعاهای پوچ بارزانی، ناسیونالیسم کرد در ایندوره هم ضدیت عمیق خودش را با منافع مردم حتی در دفاع از زندگی مردم در کردستان نشان داد. ناسیونالیسم کرد نه فقط علیه آزادیخواهی و کارگر در کردستان بلکه علیه کارگر و هر نوع آزادیخواهی و رادیکالیسم در آمریکا و اروپا است. ناسیونالیسم کرد زمانیکه جامعه و مردم آزادیخواه دست به اعتراض به دول ارتجاعی شان علیه حمله به عراق و کشتار مردم بی گناه عراق زدند، به وکالت "ملت تحت ستم کرد"، آنها از دل جامعه ای به خون و آتش کشیده، پرچم آمریکا ناجی مردم کرد و نظم نوین جهانی بشارت دهنده دمکراسی در خاورمیانه را علم کرد. امروز هم ناسیونالیسم کرد در مقابل اعتراض کارگر

و سوسیالیست و مردم آزادیخواه در آمریکا و اروپا به سیاستهای میلیتاریستی و ارتجاعی دولت هایشان در منطقه (در سوریه، عراق و بویژه در حمایت از اسرائیل و کشتار مردم بی گناه فلسطینی)، دوباره پرچم غرب ناجی مردم کرد را بلند میکنند، مدال مبارزه با تروریسم را به سینه اوباما و کامرون و مرکل میزند و شعار "مرسی آمریکا" را روزانه از صفحه تلویزیون به رخ دنیا میکشند.

در مورد مقاومت مردم در کوبانی مولفه ها کمی متفاوت اند. در کوبانی مقاومتی توده ای علیه تعرض وحشیانه داعش به زندگی در جریان است. مقاومتی توده ای در دفاع از زندگی، امنیت و مدنیت. مردم کوبانی از زن و مرد تا پیرو جوان برای دفاع از زندگی خود به حق دست به اسلحه برده اند. این مقاومت قطعاً مورد حمایت و پشتیبانی پرشور و بی اما و اگر ما کمونیستها است. اینک رهبری این مقاومت در کوبانی را ائتلافی از جریانات ناسیونالیسم کرد و در راس آن حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه در دست دارند، تفاوتی در ماهیت مقاومت مردم نمیکند. مقاومت مردم در هر جایی علیه توحش و کشتار قابل دفاع است، در این جای هیچ تردیدی نیست. قاعدتاً کمونیستها باید مبشر و سازماندهنده چنین دفاع توده ای و به میدان آمدن مردم برای دفاع از زندگی و امنیت و آسایش شان باشند. اما زمانیکه طبقه کارگر و کمونیستها در چنین موقعیتی نیستند طبیعی است جریانات دیگر و طبقات دیگر میتوانند در ارس این مقاومت قرار بگیرند و قرار میگیرند. فلسطین، در عراق و سوریه آخرین نمونه های آن هستند. احزاب ناسیونالیست رهبری این مقاومت بعنوان نمایندگان بورژوازی کرد در کردستان سوریه قطعاً خواهان از هم پاشیده شدن مدنیت در کردستان سوریه نیستند، مانند بورژوازی هر جامعه ای نفعی در تباهی جامعه و نابودی بنیادهای اقتصادی و اجتماعی جامعه ندارد و قاعدتاً در مقابل سناریوی سیاهی کردن جامعه از طرف جریانات باند سیاهی و ضد اجتماعی می ایستند. از این زاویه این احزاب کرد در سوریه علیه حملات داعش مقاومت میکنند و هراس مردم را به مقاومتی توده ای تبدیل کرده اند. از این زاویه و در مقایسه با احزاب کردی در عراق باید به آن ها مدال داد. اما این به معنی تطهیر این جریانات و رادیکال و آزادیخواه بودن آن ها نیست. ناسیونالیسم کرد قطعاً تلاش میکند در هر دو ...

→ ادامه در صفحه قبل

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

حکمتیست هفتگی را بخوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

کارگران جهان متحد شوید!